

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیامک بهاری
۱۰ اگست ۲۰۱۵

ثبت نام کودکان افغان و نقشه شوم جمهوری اسلامی

۲۹ اردیبهشت [ثور] سال جاری خامنه ای در دستور پر طمطراقی "افغان" دوستی اش گل کرد و فرمان داد همه کودکان با پیشنه افغانستان بدون در نظر گرفتن وضعیت اقامت در مدارس ایران نامنویسی گردند.

چرا شخص خامنه ای به میدان آمده است تا نقش آموزش و پرورش و حتی اداره اتباع خارجی را بازی کند؟ مگر آموزش و پرورش که متولی اجرای این طرح است، نمی توانست چنین تصمیمی را خود اعلام و عملی و اجرایی کند؟! مگر وضعیت اقامت و امکانات قانونی مهاجران و پناهندگان در حیطه اداره اتباع خارجی نیست؟ این سیاست به ظاهر سخاوتمندانه چرا توسط مجریانش اعلام نمی شود؟

چرا یک شبه "گره عابد و زاهد" شده است؟ چرا پس از سی و پنج سال رفتار فوق خشن و فاشیستی با مردم مصیبت زده ای که نه در افغانستان جایی برای ماندن داشتند و نه در جمهوری اسلامی ایران پناهی یافتند، به ناگهان کودکان محروم این مردم، امکان می یابند در مدارس ایران ثبت نام کنند؟ مگر طی سی و پنج سال همین حکومت آنها را به عنوان کودکان بی هویت و بی شناسنامه خطاب نمی کرد؟ مگر درب مدارس را به روی آنان نمی بست؟ مگر کل دستگاه تبلیغاتی رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و دستتک و منبر جمهوری اسلامی بدترین و مسموم ترین فضاء را علیه این مردم به پا نکرد؟!

حقوق اولیه شهروندی میلیونها انسان به جرم "مهاجرت و پناهندگی" به فجیع ترین شکل ممکن زیر پای جمهوری اسلامی له می شود، واژه "افغانی" به عنوان توهین مستقیم به این مردم ستم دیده که از بد حادثه کارشان به جمهوری اسلامی ایران افتاد "هدیه" ای است که روزانه نصیب شان می شود.

در حالی که کلیه قوانین و دستورات صادر شده از جانب وزارت کشور، استانداریها و فرمانداریها دایر بر تحت فشار گذاشتن مهاجرین و پناهندگان افغانستان و غیرمجاز اعلام کردن آنها به قوت خود باقی است. محرومیت از اسکان در ۱۵ استان و ۴۴ شهر، محرومیت از کار و استخدام، ممنوعیت از تحصیل در بسیاری از رشته های تحصیلی حتی برای آنانی که ظاهراً مشکل اقامتی هم ندارند و سخت ترین مشاغل به صورتی تحقیر آمیز، کماکان تنها امکان گذران زندگی طاقت فرسای آنان است.

دیپورت های دسته جمعی و رد مرز کردن، اعزام به کمپهای پناهندگی بدون کمترین امکانات زیستی در بدترین شرایط ممکن همچنان در حال انجام است. ده ها (ان جی او) به جرم دفاع از کودکان کار که رفتار فاشیستی جمهوری اسلامی روی دست مهاجرتن و پناهندگان افغانستان گذاشت، یا برخورد ها و تهدیدهای امنیتی و پولیسی روبه رو شدند.

مدارس خود گردانی که شهروندان افغان ایجاد کردند، غیرقانونی اعلام شد و گردانندگان آن توسط ضابطین قضائی جمهوری اسلامی تحت تعقیب قرار گرفتند .

نقشه شوم جمهوری اسلامی

چه چیز جمهوری اسلامی را به یکباره دایهٔ مهربان تر از مادر کرد؟ مگر خامنه ای در این سی و پنج سال که او از ریاست جمهوری تا تکیه بر بیت رهبری در جزئیات، سیاست گذاری دستگاههای کشوری را می شناسد، خبر از رفتار غیر انسانی با شهروندان افغان به ویژه با کودکان آنها نداشت؟ مگر تحمیل فقر فوق العاده با دستمزدهای تحقیر آمیز و چند برابر کمتر از کارگر ایرانی، بی هویت و بی شناسنامه کردن کودکان آنها، بخشی از سیاست کل دستگاه جمهوری اسلامی و بخشی از فشار دیپلماتیک جمهوری اسلامی علیه کشور همسایه اش توسط همین بیت رهبری نبوده است؟ لطمه غیر قابل جبرانی که برای همیشه زندگی صدها هزار کودک افغان را به باد فنا سپرد و بارها مورد اعتراضات وسیع بین المللی قرار گرفته است.

آنچه که بلافاصله برای هر آگاه به مسایل سیاسی مطرح می شود، وضعیت خود جمهوری اسلامی و لشکر کشی آن در منازعات منطقه و استفاده بی وقفه از شهروندان افغان برای اعزام به جبهه های جنگ سوریه و یمن و عراق و . . . است .

در اینجا هم جمهوری اسلامی از شهروندان افغان همان استفاده ای را می برد که سرمایه دار ایرانی در بازار بیرحم کار از نیروی کار ارزان آنان . اینجا هم استفاده از این نیرو ارزان تر است . جان و زندگی اش، خانواده اش، بسیار کم هزینه است . راحت تر می توان آن را به کار گرفت و قربانی کرد . با کمترین هزینه، پانصد دالر و قول مساعد برای اقامت در جهنم جمهوری اسلامی ! به همین سادگی!

به کار گیری و استفاده امنیتی و نظامی و انتظامی از شهروندان افغان به قدمت فشار فاشیستی بر آنان در ایران و توسط دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی است . اعزام به جبهه های جنگ و استفاده از شهروندان افغان دیگر قابل لاپوشانی نیست . کاملاً علنی و آشکار شده است . طرح های " کارت اقامت " بخشی از این نقشه شوم است . از سوی دیگر تغییر و تحولات سیاسی منطقه، نقشه و اهدافی را که جمهوری اسلامی عمدتاً از سال ۱۳۷۲ پیش گرفته بود، دچار دگرگونی کرده است . اخراج و سرکوب پناهجویان افغان برای فشار دیپلماتیک بر کشور همسایه نیز تغییر کرده است . اگر قرار است دولت کنونی افغانستان را به هر مقدار که می شود از عربستان دور کند، و حداقل به صورت خنثی آرام نگهدارد، باید امتیازاتی برای آن قابل شد . حسن همجواری با اذیت و آزار سیستماتیک حکومتی در تناقض است . پس باید قدری آن را کاهش داد تا راههای همکاری بیشتر در منطقه را میسر کرد . گسترش روابط دیپلماتیک بین کابل و تهران باید به دستاوردی منجر می گشت و آن پاسخ به درخواست و استغاضه دایمی برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی با شهروندان افغانستان بود .

از همین رو اینجا باید شخص خامنه ای فرمان ثبت نام کودکان افغان در مدارس را ابلاغ می کرد . تا ارزش و جاهت سیاسی ویژه ای بیابد . حکم حکومتی که همه مصوبات پیشین را بدون هرگونه تشریفات نقض می کرد و آموزش و پرورش و اداره اتباع خارجی به عنوان مجریان طرح را به خط می کرد .

هیاهوی بسیار برای طرحی ناکارآمد

طرح نامنویسی از کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۸ سال افغان در مدارس که توسط جمهوری اسلامی بی شناسنامه و بی هویت گشته اند با هیاهو و جنجال تبلیغاتی مرسوم و رایج جمهوری اسلامی اعلام شده است . از همان قدم اول این طرح

با اما و اگرها و نیز دروغ‌ها و تناقضات همیشگی همراه است. شهریه و سرکیسه کردن یک بخش نهفته در این امر است. خود این طرح چنان پیچیده و دست‌وپاگیر و مدت‌اجرای آن چنان کوتاه است که بیش از هر چیز جهت تبلیغاتی آن را نشان می‌دهد.

ثابت نام در مدارس چرا باید به پروسه پیچیده‌ای تبدیل شود. به همان سادگی که سی و پنج سال چندصد هزار کودک را از مدرسه و تحصیل محروم کردند، به همان سادگی هم درب مدارس را به رویشان باز کنند و نامنویسی برای آنان را مانند دیگر دانش‌آموزان معمول کنند.

اما جمهوری اسلامی به قصد شناسایی دقیق مهاجران جدا از اجرای طرح‌های "کارت اقامت و ساماندهی در میهمانشهرها" و نیز محدود کردن آنان، پروسه ده ماده‌ای پیچیده‌ای را با محدوده زمانی به مدت فقط پنج روز به اجراء در می‌آورد. در حالی که چندین هزار خانواد افغان بدون کارت اقامت اگر هم از این طرح با خبر شده باشند، از ترس شناسایی نشدن خود را همچنان مخفی نگه می‌دارند.

"نسج همدانی" مدیرکل امور اتباع و مهاجران خارجی استان تهران در این باره می‌گوید: "ثابت نام در سه مرحله انجام می‌شود؛ در مرحله اول، نوبت دهی به این اتباع در دفاتر کفالت انجام می‌شود؛ در نوبت دوم لازم است تا فرم‌های لازم برای این اتباع در دفاتر کفالت تکمیل شود و در مرحله سوم، دانش‌آموزان این اتباع غیر مجاز به مدارس و آموزش و پرورش معرفی می‌شوند. ظرفیت ۲۰۰ هزار نفری برای دانش‌آموزان اتباع در استان تهران پیش‌بینی شده است." همین نقل قول به خوبی پیچیدگی پروسه ثابت نام را نشان می‌دهد، اما اقرار مدیر کل امور اتباع و مهاجران به این که ۲۰۰ هزار کودک و نوجوان بین ۷ تا ۱۸ سال را همین حکومت فقط در تهران از درس و مدرسه محروم کرده است هیولائی که حالا دایه مهربانتر از مادر شده است را به خوبی نشان می‌دهد. با یک حساب سرانگشتی می‌توان محاسبه کرد که نامنویسی ۲۰۰ هزار دانش‌آموز آنها فقط در ۷ منطقه طی پنج روز امری محال خواهد بود.

اما موضوع دریافت شهریه که با عبارت "فعلا" و تا اطلاع ثانوی و غیره ذکر شده بخش دیگری از این پروسه است که "احمد شاه‌مردانی" مسئول اتباع خارجی مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش "ناچار به آن اقرا می‌کند": "دارندگان برگه مدت دار خروج از کشور و طرح اقامت هشت، مجاز به ثبت نام در مدارس کشور هستند و بر اساس آئین نامه ثبت‌نامی، شهریه اتباع خارجی پناهنده و دارای گذرنامه متفاوت است. براساس آئین‌نامه مدارس، «تخفیف شهریه‌ای» برای دانش‌آموزان اتباع خارجی دارای دفترچه پناهندگی، فرزندان زنان ایرانی که با اتباع خارجی ازدواج کرده‌اند، دانش‌آموزان ساکن میهمانشهرها و . . . در نظر گرفته شده است." تا اینجا مشخص است که شهریه بدون برو برگرد باید پرداخت شود. با توجه به پر شدن سهمیه مدارس امکان نامنویسی در مدرسه‌ای که نزدیک محل سکنی دانش‌آموز باشد نیز تقریباً غیرممکن می‌گردد.

محدویت‌ها همین جا خاتمه نمی‌یابد. محروم کردن دانش‌آموزان افغان به اشکال درد آور دیگری همچنان ادامه دارد. علی‌اصغر یزدانی قائم‌مقام وزیر و رئیس مرکز امور بین‌الملل وزارت آموزش و پرورش با اعلام جزئیات شهریه ثبت‌نام دانش‌آموزان افغان در مدارس ایرانی چنین می‌گوید: "تحصیل این دانش‌آموزان در مراکز سمپاد، نمونه دولتی و هنرستانها ممنوع است. همچنین شرکت تمام دانش‌آموزان اتباع خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران در مسابقات رسمی ورزشی و علمی المپیادها و فرهنگی اعم از داخلی و بین‌المللی ممنوع است. فعالیت مدارس خودگردان افغانی فاقد وجاهت قانونی بوده و مدارک تحصیلی صادر شده از این قبیل مدارس برای ادامه تحصیل معتبر نخواهد بود." این درحالی است که ماده ۲۲ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان تأکید دارد که کشور میزبان متعهد است در مورد تحصیلات ابتدائی با اتباع خارجی همانند اتباع خود رفتار کند!

از سوئی آموزش و پرورش در سدد ایجاد مدارس غیر دولتی برای ثبت نام کودکان افغان است. همه این طرح و هیاهو و جنجال تبلیغی است که جمهوری اسلامی برای گریز از تعهدات خود، برای لاپوشانی رفتار ضدبشری اش با این همه انسان دردمند و مصیبت دیده و برای بسرانجام رساندن اهداف شومش انجام داده است.

وانگهی جمهوری اسلامی چقدر به تعهدات خود نسبت به دانش آموزان تبعه کشور وفادرا بوده است که به دانش آموزان افغان باشد؟

مردم بحق انتظار دارند که معلمین سراسر کشور با گسترش دامنه اعتراضات خود علیه نظام تبعیض آمیز آموزش و پرورش، این تفاوت گذاریهای عامدانه به شکست کشیده شود. حق کودکان به تحصیل و همه حقوق شهروندی جهانشمول است و باید بدون هرگونه تبعیض ملی، قومی، مذهبی و نژادی به یک سان به رسمیت شناخته شود.

جمهوری اسلامی رسواتر از آن است که بتواند با اجرای این بازیهای شرم آور به مردم فریبی اش ادامه دهد.